

عوامل رافع مسئولیت مدنی رسانه‌های جمعی در نظام حقوقی ایران

امین امیرحسینی^۱، محمدرضا برزویی^۲

چکیده

علل رافع مسئولیت، شرایطی است که در آن شرایط، واردکننده زیان، مسئول جبران خسارت نیست. این شرایط در مسئولیت مدنی به دفاع مشروع، حکم قانون یا مقام صالح، غرور، اجبار یا اکراه و اضطرار تقسیم‌بندی شده است. قوه قاهره از حوادثی است که رابطه سببیت را کلاً از بین می‌برد و بنابراین، در بحث علل موجهه یا شرایط معاف‌کننده جای نمی‌گیرد، زیرا در علل موجهه، رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و عامل زیان احراز می‌شود. حال سؤال اساسی آن است که در صورتی که رسانه‌های جمعی مبادرت به ورود خسارت به افراد نمایند و ورود ضرر را به ادله‌ای نظیر اجبار، اضطرار ناشی از قاعده اقدام و ... مستند نمایند، آیا می‌توان از ایشان مطالبه خسارت نمود؟ بنابراین، به دلایل پیش‌گفته، مسئولیتی برای عامل زیان متصور نیست؛ البته باید پذیرفت که شرایط معاف‌کننده در حوزه مسئولیت مدنی رسانه‌اندکی متفاوت از آن چیزی است که اصولاً در مسئولیت مدنی مطرح می‌شود. مقاله پیش‌رو با روش «تحلیلی - توصیفی» در پی پاسخ به این سؤال است که: «در نظام حقوقی ایران، چه عواملی می‌تواند رافع مسئولیت مدنی (مسئولیت اجتماعی) رسانه‌های جمعی به حساب آیند؟» که در پاسخ به آن، به علل رافع مسئولیت مدنی رسانه‌ها در قالب هفت عنوان «تکلیف یا اختیار قانونی رسانه»، «دستور مقام قضایی یا مقام مافوق اداری»، «بیان انتقادات و نظرات سازنده»، «اجبار و اکراه»، «اضطرار در شرایط خاص»، «اقدام فرد علیه خود» و «غرور» اشاره و به تشریح هر یک از آنها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی

مسئولیت مدنی، مسئولیت اجتماعی، علل رافع، رسانه‌های جمعی، جبران خسارت

a_amirhoseiny@sbu.ac.ir
borzooei@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۴
۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی (ره) (نویسنده مسئول)
۲. استادیار دانشکده معارف اسلامی، فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی بی‌شک تأثیرات گسترده‌ای در همه عرصه‌ها به دنبال داشته‌اند (آشنا؛ برزویی، ۱۳۹۰: ۶). به‌ویژه تأثیرات بسیاری بر تفکرات آحاد مردم دارند (حسینی و هاشمی، ۱۳۸۹: ۴۰). در نظام حقوق ارتباطات، اصولی حاکم است برای نمونه می‌توان به اصولی نظیر اصل آزادی اطلاعات و اصل آزادی بیان استناد نمود (معمدنژاد، ۱۳۸۶: ۱۶۷؛ انصاری، ۱۳۸۷: ۲۱۱ و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۴۵) و بنابراین اصل آزادی بیان و آزادی اطلاعات، به‌عنوان اصلی اساسی بر روابط رسانه‌ها با دولت‌ها و اشخاص نظارت دارد؛ به‌علاوه در نظام ایران رسانه‌ها می‌بایست بکوشند تا در چارچوب هنجارهای اجتماعی و مبنای فقهی (اسماعیلی؛ جلالی، ۱۳۹۱: ۶۹) و به‌ویژه اصول اخلاقی (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۱۱۸) به کارکرد خود بپردازند؛ اما در برخی موارد ممکن است موجبات تضرر افراد حقیقی یا حقوقی را فراهم آورند؛ به‌عبارت دیگر فعالیت رسانه‌های همگانی، در برخورد با منافع افراد، گاه زیان‌هایی را موجب می‌شوند (اختیاری، ۱۳۸۷: ۴۴) که البته در حقوق موضوعه در باب مسئولیت رسانه‌ها، به‌صورت خاص ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشده است و بنابراین، فقط می‌توان در مواردی به عموماًت مسئولیت مدنی استناد نمود (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۹)؛ اما نظر به اهمیت جایگاه رسانه و اینکه رسانه‌ها در معرض خدشه به حقوق افراد می‌باشند. به‌علاوه اینکه حوزه و دامنه ورود خسارت از سوی رسانه‌ها بسیار وسیع هست، خلأ تقنین در این حوزه بسیار محسوس است.

به‌علاوه باید اذعان داشت که در بسیاری از موارد، ورود خسارت از سوی رسانه‌ها ناظر به جنبه‌های معنوی و شخصیت افراد است که به گواهی بنای عقلا در بسیاری از موارد، خسارت مزبور از خسارات مادی بسیار شدیدتر و مهم‌تر است (تزریمی‌نژاد؛ ایران تاج، ۱۳۹۱: ۹۸).

نکته‌نهایی آن‌که در باب مسئولیت و بار اثبات و همچنین همه آثار ثبوتی و اثباتی هیچ‌گونه تفاوتی میان رسانه‌های نوشتاری و رسانه‌های دیداری، همچنین سایر رسانه‌ها وجود ندارد (محمدی، ۱۳۹۱: ۳۱). در همین راستا می‌توان از باب تنقیح مناط و وحدت ملاک، احکام و قواعد حاکم بر رسانه‌های نوشتاری را بر سایر رسانه‌ها نیز تطبیق داده و حکم واحدی بر تمامی موضوعات مورد بحث بار نمود.

در نهایت باید اذعان داشت که هدف اصلی پژوهش پیش‌رو پاسخ‌گویی به این سؤال است که در نظام حقوقی ایران، چه عواملی می‌تواند رافع مسئولیت مدنی (مسئولیت اجتماعی) رسانه‌های جمعی به حساب آیند؟»

به عبارت دیگر در چه مواردی می‌توان رسانه‌ها را در قبال ضررها و زیان‌هایی که به‌واسطه عمل

خود به اشخاص وارد می‌سازند، از مسئولیت مبرا نمود؟ در پاسخ به آن، به علل رافع مسئولیت مدنی رسانه‌ها در قالب هفت عنوان اساسی و مبنایی، «تکلیف یا اختیار قانونی رسانه»، «دستور مقام قضایی یا مقام مافوق اداری»، «بیان انتقادات و نظرات سازنده»، «اجبار و اکراه»، «اضطرار در شرایط خاص»، «اقدام فرد علیه خود» و «غرور» اشاره و به تبیین هریک از آنها پرداخته شده است.

سابقه و پیشینه

در باب موضوع مزبور نویسنده‌ای به نحو مشخص بدین امر نپرداخته است. موضوع مقاله یک موضوع میان‌رشته‌ای در حوزه حقوق رسانه تعریف می‌شود که در میان تولیدات‌اند که این حوزه، موضوع خسارت معنوی کمتر پرداخته شده است؛ در مقاله‌ای با عنوان رسانه‌ها، مسئولیت مدنی دکتر رضا هاشمی به بیان شمول مسئولیت مدنی بر رسانه‌ها تأکید داشته و این دسته را از مسئولیت مدنی معاف و مجزا نمی‌داند به‌علاوه دکتر تزریمی‌نژاد و ایرانتاج، در مقاله‌ای با عنوان مسئولیت مدنی رسانه‌های تصویری درخصوص پخش برنامه‌های برون‌مرزی به بیان لزوم مسئول دانستن رسانه‌های جمعی در موضوع پخش برنامه‌های برون‌مرزی در صورت وجود تقصیر، رسانه‌ها را مسئول می‌دانند و اصلاً به موضوع خسارات معنوی اشاره‌ای ندارند.

به‌علاوه در مقاله‌ای با عنوان مسئولیت رسانه‌های جمعی ناشی از لطمه به احساسات مذهبی جناب آقای اختیاری به بیان مسئولیت رسانه‌ها در هتک حرمت و توهین به مقدسات عنایت داشته، همچنین رسانه‌ها را از جهت توهین به مقدسات و اعتقادات قابل پیگرد کیفی می‌داند. همچنین در کتاب خسارات معنوی در حقوق ایران جناب دکتر پروین به بررسی مبانی و اصول امکان سنجی مطالبه خسارت معنوی پرداخته و اشاره‌ای به مسئولیت رسانه‌ها نداشته است.

ادبیات نظری

در ابتدا لازم است تا مفاهیمی که در این مقاله مورد تفحص قرار می‌گیرد را مورد عنایت قرار داده و به تشریح آنها بپردازیم.

مسئولیت مدنی

در باب مسئولیت مدنی باید اذعان داشت که مسئولیت به معنای پاسخ‌گویی است و مسئول، شخصی است که باید پاسخ‌گوی اعمال و اقدامات خود باشد (حسین‌آبادی، ۱۳۸۵: ۴؛ ارشدی، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

امروزه نیز شاهد افزایش دعاوی مسئولیت مدنی هستیم که بیشترین حجم از دعاوی را به خود اختصاص داده‌اند (یزدانیان، ۱۳۷۹: ۳۷؛ تاجمیری، ۱۳۷۵: ۱۶). در حقوق خصوصی نیز لزوم جبران خسارتی که به ناحق وارد شده است از قواعد مسلم حقوقی و فقهی است (میرداداشی، ۱۳۹۳: ۱۹) و برخی نیز این قاعده که هیچ کس نباید بدون سب مشروع به زیان دیگری دارا شود را مبنای آن می‌دانند (نوابی، ۱۳۸۸: ۵۳). برخی نیز مبنای آن را لزوم تحمل ضرر از سوی مقصر دانسته‌اند (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۹).

مسئولیت مدنی به‌عنوان یکی از ضمانات اجراهای حقوقی در استیفای حقوقی افراد نقش مهمی ایفا می‌کند (لموراسا، ۱۳۷۵: ۱۹). مسئولیت حقوقی بر دودسته است که عبارت‌اند از کیفری و مدنی (شیخیانی، ۱۳۹۲: ۱۳) و مسئولیت مدنی به دو قسم قهری و قراردادی تقسیم می‌شود. در نظام قضایی نیز باید علاوه بر افراد مراجعه کننده، برای تخلفات مسئولین و ارکان نظام قضایی نیز قائل به مسئولیت شد (جلیوند، ۱۳۷۳: ۴۳).

مسئولیت مدنی، عبارت است از: الزام و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر و زبانی که در نتیجه عمل مستند به او به دیگری وارد شده است (باریک لو، ۱۳۸۵: ۲۲) که خود شامل دو حالت می‌شود:

۱. ضرر و زیان ناشی از جرم که باید در دعوی مدنی از دادگاه خواسته شود؛
۲. مسئولیت عمل غیر در خارج موارد کیفری مانند مسئولیت پدر در مقابل عمل اطفال (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ج ۴: ۳۰۴).

مسئولیت قراردادی

مسئولیت قراردادی عبارت است از: تعهدی که در نتیجه تخلف از مفاد قراردادهای خصوصی برای اشخاص ایجاد می‌شود. برای اینکه مسئولیت قراردادی تحقق پیدا کند، باید بین مسئول و زیان‌دیده قرارداد درست و الزام‌آوری موجود باشد و خسارت‌های به بار آمده ناشی از این قرارداد باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۷؛ انیسی، ۱۳۹۴: ۵).

در مسئولیت قراردادی گاهی تعهد به نتیجه است و گاهی تعهد به وسیله. تعهد به نتیجه تعهد به تحقق نتیجه است و اجرای تعهد جز با تحقق نتیجه معین حاصل نمی‌شود؛ و در واقع، نتیجه اینکه متعهد مستلزم به تحقق آن شده است موضوع تعهد را تشکیل می‌دهد

عوامل رافع مسئولیت مدنی رسانه‌های... ❖ ۳۳

تعهد به‌وسیله مدیون به عهده می‌گیرد که وسیله رسیدن به نتیجه مطلوب را فراهم آورد، در این راه کوشش کند، جانب احتیاط نگاه دارد و همه صلاحیت‌های خود را به کار ببرد. در واقع تمام مواردی که حصول نتیجه مطلوب جنبه احتمالی دارد و در اختیار متعهد نیست را باید در زمره تعهد به‌وسیله به شمار آورد؛ مانند تعهد وکیل دادگستری و پزشک. در این نوع تعهد آنچه مهم است این است که متعهد مقدار معینی سعی و تلاش در راه انجام تعهد به کار ببرد که مقدار سعی شخص عادی کفایت می‌کند (باریک لو، ۱۳۸۹: ۳۱۷).

ضمان قهری یا مسئولیت خارج از قرارداد

ضمان قهری را قانون‌گذار، مورد تعریف قرار نداده است و فقط در ماده ۳۰۷، قانون مدنی علل ایجاد ضمان قهری احصاء شده است. ضمان قهری عبارت است از: مسئولیت به جبران امر یا جبران زبانی که کسی در اثر عمل خود به دیگری وارد آورده است. چون مسئولیت مزبور در اثر عمل قضائی و بدون قرارداد و عقد حاصل می‌شود آن را قهری می‌گویند (امامی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۳۶۱).

جبران خسارت

جبران خسارت یعنی برگرداندن وضع خسارت دیده به حالت قبل از خسارت (فتح علی‌پور، ۱۳۷۶: ۱۱)

افراد هم خواه ناخواه با هم روابطی می‌یابند که ناگزیر باید متکی بر اصول و قواعدی باشد (قائم مقامی، ۱۳۴۲: ۶). باید برای عدم رعایت حقوق، ضمانت اجرایی موجود باشد (لایق، ۱۳۹۰: ۲۱).

روش تحقیق

روش تحقیق در این حوزه، شیوه توصیفی تحلیلی بوده و با استناد به شیوه اجتهادی، حوزه حقوق رسانه مورد توجه واقع شده است؛ بنابراین، در ابتدا مسئله به‌طور دقیق، تبیین شده و در ادامه با استناد به ادله فقهی و حقوقی، به تحلیل موضوع پرداخته تا به وصول حکم نائل شویم. در توضیح باید اذعان داشت که در نظام حقوقی، مبنای قابل اتکا و اعتماد، عبارت‌اند از منابع اربعه فقه شیعه (قرآن، سنت، عقل، اجماع) و منابعی نیز در حقوق ایران علاوه بر منابع مزبور مورد توجه است نظیر قانون، رویه قضایی، آیین نامه‌ها و... که لازمه تحقیق در منابع مزبور، توجه به شیوه خاصی از تحقیق است و شیوه خاص برای استنتاج از منابع مزبور را باید اجتهاد دانست.

مبانی مسئولیت رسانه

رسانه‌های جمعی علاوه بر کارکردهای فردی، همچون اطلاع‌رسانی، هویت‌یابی، تفریح و تعامل اجتماعی، کارکردهای اصلی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد که عبارت‌اند از: همبستگی، پیوستگی و تداوم (انتقال میراث فرهنگی)، سرگرمی و بسیج اجتماعی (مک کوایل، ۱۳۸۸). طبعاً نقش و کارکردهای رسانه‌ها با توجه به هنجارهای اجتماعی موضوعیت ممتازی می‌یابد چه اینکه هنجارها در جهت‌دهی به رفتار و نگرش افراد جامعه نیز حائز اهمیت بوده و در فلسفه اجتماعی رسانه‌ها از جایگاه مهمی برخوردار است.

نظریه‌های هنجاری، مشخص‌کننده بایدها و نبایدها در عملکرد رسانه‌ها هستند. از جمله این بایدها و نبایدها که برخاسته از نظام اجتماعی و فرهنگی یک جامعه‌اند می‌توان به قوانین مکتوب مربوط به رسانه‌ها، پاره‌های ایدئولوژی و پیش‌فرض‌های ضمنی موجود در جامعه اشاره کرد. دیدگاه هنجاری رسانه، برآیند مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها در نهادهای متنوعی است که در تعامل با رسانه قرار دارند. رابطه رسانه با هر یک از این نهادها، شرایط و موقعیت عمل رسانه، مبانی فلسفی و فکری پایه‌گذاران آن و ریشه‌های شکل‌گیری رسانه و نیز ارزش‌ها، آموزه‌ها و اصول دینی از جمله بسترهای شکل‌گیری نظریه‌های هنجاری در ارتباطات جمعی به‌شمار می‌روند.

به‌علاوه باید افزود که رسانه‌ها در حوزه مسئولیت و لزوم جبران خسارت از قواعد عام مسئولیت مدنی مستثنی نیستند و در همین راستا باید اذعان داشت که به لحاظ خاص بودن موقعیت و وضعیت رسانه‌ها و جایگاه ویژه آنها در جامعه، عوامل پدیدآورنده مسئولیت مدنی و عوامل رافع مسئولیت مدنی ایشان باید به نحو خاص بررسی و تدقیق شود.

با توجه به مقدمه پیش‌گفته، برخی فقها در خصوص مبانی مسئولیت مدنی رسانه‌ها، اتلاف و تسبیب را به‌عنوان دو قاعده جداگانه در نظر گرفته‌اند و در بیان موجبات ضمان این دو را از یکدیگر تفکیک نموده‌اند (حلی، بی‌تا، ۳۷۴؛ حلی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۷۶۲؛ شهایی خراسانی، ۱۳۳۲: ۹۰). برخی حقوقدانان هم از این شیوه پیروی نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۵۹؛ امامی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۹۲). ولی برخی دیگر از فقها عقیده دارند، اتلاف ممکن است، بالمباشره باشد یا بالتسبیب؛ (جبعی العاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۲: ۱۶۲؛ حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۳۵) در نتیجه قاعده تسبیب، قاعده مستقلی به‌شمار نمی‌رود، بلکه فرعی از قاعده کلی اتلاف خواهد بود. به عقیده این دسته از فقها «اینکه متلف سبب یا مباشر یا نحو آن باشد، اهمیتی ندارد، زیرا این دو، به مرتبه خاصی

تعلق ندارد، بلکه یکی سبب است و دیگری سبب سبب» (حسینی مراغه‌ای، پیشین، ج ۲: ۴۳۵).
به نظر می‌رسد، نظر دوم، با مفاد قاعده سازگارتر است؛ بنابراین، ما هم اتلاف و تسبیب را
به‌عنوان دو قاعده جداگانه در نظر نگرفته‌ایم و مطالب خود را در این گفتار، با‌عنوان اتلاف و
تسبیب، بیان می‌نماییم.

در خصوص ضمان ناشی از اتلاف و تسبیب اختلافی بین فقهای امامیه و عامه وجود ندارد و
حتی در مورد آن ادعای اجماع هم شده است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۳۴). برخی قاعده اتلاف را
چنین تعریف نموده‌اند: «هرگاه شخصی مال دیگری را تلف کند، ضامن است که آن را جبران و
تدارک نماید، بدین وسیله مثل یا قیمت آن را به صاحبش بپردازد» (شهبازی خراسانی، ۱۳۳۲: ۹۰).
این تعریف را بایستی ناظر به اتلاف بالمباشره بدانیم. قانون مدنی نیز در ماده ۳۲۸ خود آورده
است: «هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه
از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص
یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است». این نکته هم قابل توجه است که ایجاد سبب
تلف، چنانچه عرفاً رابطه سببیت مستقیم را قطع ننماید، مانع از صدق عنوان اتلاف نیست.
چنان‌که اگر کسی آتشی بی‌فروزد و از این آتش خسارتی به بار آید، موضوع از عنوان اتلاف خارج
نمی‌شود. فقها این افعال را اصطلاحاً، افعال تولیدیه نامیده‌اند؛ (رشتی، ۱۳۲۲: ۲۹) برعکس
هرگاه، انتساب زیان به شخص، به‌رغم وجود رابطه مستقیم ظاهری، به‌واسطه زلزله یا سایر
حوادث قهری، ممکن نباشد، این قاعده اعمال نخواهد شد (کاتوزیان، پیشین، ج ۱: ۱۵۸).

نگارنده را اعتقاد بر آن است که برای مثال، اگر روزنامه‌ای اقدام به انتشار عکس‌های
خصوصی زندگی یک بازیگر معروف نماید، روزنامه مسئول تقسیم و بدون واسطه محسوب
می‌شود؛ اما در عمده موارد مدیر مرتبط به‌دلایلی که بعداً گفته خواهد شد، مسئول جبران خسارت
خواهد بود. در ماده هفت آئین‌نامه تأسیس و نظارت بر چاپخانه‌ها و واحدهای وابسته آمده است:
«مسئولیت اداره چاپخانه و واحدهای وابسته به آن یا دارنده پروانه است. وی مسئول حسن
اجرای مفاد این آئین‌نامه و دستورالعمل‌های صادر شده از سوی وزارت و پاسخگویی کیفیت و
محتوای آگهی‌ها و کارهای چاپی است».

کسانی که تسبیب را قاعده‌ای مستقل به‌شمار آورده‌اند، این قاعده را چنین تعریف نموده‌اند:
«هرگاه کسی کاری کند که بر اثر آن کار، مال شخصی دیگر تلف شود، مانند اینکه دزدی را به خانه

او راهنمایی کند، یا حیوانی را که متعلق به او است رها سازد تا در نتیجه گرفتار دزد یا دچار درنده یا نابود و گم گردد، ضامن است که آن را جبران و تدارک کند» (شهابی خراسانی، پیشین: ۹۱).

در تعریف «سبب»، اقوال متعددی بیان شده است که بیان تفصیلی و نقد همه این اقوال در این مجال نمی‌گنجد و ضرورتی هم ندارد؛ ولی در اینجا مهم‌ترین اقوال را به دلیل اینکه بخش عمده‌ای از خساراتی که رسانه‌ها به افراد وارد می‌کنند به صورت اتلاف بالتسبیب است نه اتلاف بالمباشرة، در تعریف سبب بیان می‌کنیم.

برخی فقها سبب را فعلی دانسته‌اند که تلف به سبب یا به واسطه آن حاصل شود (حلی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۷۶۳). بر این تعریف ایراد وارد نموده‌اند که این تعریف مشتمل بر دور است؛ زیرا در تعریف سبب، از خود سبب استفاده شده است. از طرف دیگر، این تعریف مانع هم نیست، زیرا علاوه بر سبب، مباشر را هم در برمی‌گیرد، زیرا در مباشرت هم تلف به واسطه مباشر یا نزد او حاصل می‌شود (جبعی‌العالمی، ۱۴۱۶، ج ۱۲: ۱۶۳).

برخی دیگر عقیده دارند، آنچه در تلف مالی، مدخلیت دارد، منحصر در دو فرض است؛ یا مستند دانستن تلف در خصوص این عامل اضافه حقیقی است یا خیر. اگر استناد تلف به یک عامل از نوع اضافه حقیقی باشد، آن عامل «علت» تلقی و به‌عنوان مباشر شناخته می‌شود. در صورتی که استناد تلف به یک عامل از نوع اضافه حقیقی نباشد، ولی از شأن این عامل این باشد که در صورت اضافه شدن امر دیگر، موجب تلف گردد، سبب شمرده می‌شود (حلی، پیشین، ج ۲: ۳۷۴؛ جبعی‌العالمی، پیشین، ج ۱۲، ۱۶۳). این تعریف نیز از یک‌سو به مفاهیم منطقی و فلسفی نزدیک شده و موضوع را دشوارتر نموده و از سوی دیگر، معیار مشخصی را برای تشخیص سبب ارائه نمی‌کند.

برخی دیگر از فقها همین تعریف را ساده‌تر نموده‌اند و چنین ابراز داشته‌اند که «سبب، ایجاد امری است که تلف نزد آن حاصل می‌شود، لیکن علت تلف امر دیگری است» (حلی، پیشین، ج ۲: ۲۲۱؛ فاضل‌هندی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۴۸۳؛ نجفی، پیشین، ج ۳۷، ۴۹؛ حسینی مراغه، پیشین، ج ۲: ۴۳۵).

پس از بررسی اقوال پیش‌گفته در بیان مفهوم سبب به نظر می‌رسد، چنان که برخی فقها نیز بیان داشته‌اند بایستی در تعریف سبب، معنای اصطلاحی^۲ سبب را کنار بگذاریم و معنای عرفی

۱. برای مشاهده این اقوال و نقد آنها نک: نجفی، محمد حسن، منبع پیشین، ج ۳۷: ۵۱-۴۸.

۲. «هو ما یلزم من وجوده الوجود و من عدمه عدم»

سبب را در نظر بگیریم (نجفی، پیشین، ج ۳۷، ۵۲). برخی فقها در آثار خود بر همین معنی تأکید نموده‌اند و اظهار داشته‌اند «هرگاه منشأ ضمان اتلاف باشد، چنان که از نصوص و فتاوی هم بر می‌آید، ملاک اصلی این است که عرفاً بر فردی عنوان متلف صدق نماید و تقسیم علل تلف به مباشر و سبب و مانند اینها، تقسیم‌بندی‌های عرفی است و گرنه دلیلی برای تمایز مباشرت و سبب و مقدم دانستن یکی بر دیگری وجود ندارد» (حسینی مراغه‌ای، پیشین، ج ۲: ۴۳۵).

چنان که بیان شد، در باب تشخیص رابطه سببیت، بین فقها اختلاف‌نظرهایی دیده می‌شود. شاید در نخستین نگاه چنین به نظر رسد که علت این اختلافات، اختلاف نظر آنان در تعریف سبب و رابطه سببیت است؛ ولی اگر نیک بنگریم، درمی‌یابیم که علت این اختلافات، اختلاف نظر در تشخیص صدق عنوان سببیت عرفی است (همان، ۴۳۵)؛ یعنی تعریف سبب از نظر همه فقها، مفهومی عرفی دارد و اختلاف نظر میان فقها، اختلاف در تشخیص مصادیق است، نه در تعریف از رابطه سببیت. برخی فقهای معاصر نیز همین عقیده را ابراز نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۲۰۶).

بنابراین، در تعریف رابطه سببیت نیز بایستی دست به دامان عرف شد. به عقیده ما، سببیت عرفی «رابطه‌ای است که در هر مورد با توجه به جمیع شرایط و اوضاع و احوال، بین دو پدیده برقرار می‌گردد، به گونه‌ای که عرف یک پدیده را ناشی از پدیده دیگر می‌داند».

بر اساس این قاعده، اتلاف اعم از اتلاف بالمباشره یا بالتسبیب زمانی موجد مسئولیت خواهد بود که رابطه سببیت عرفی میان زیان و عامل زیان برقرار شود. در اتلاف بالمباشره اصولاً این رابطه محرز است و جز به واسطه عوامل قهری یا مداخله شخص ثالث قطع نمی‌گردد؛ از این رو با وجود رابطه مستقیم بین زیان و عامل زیان، بایستی حکم به جبران خسارت داد. ولی در اتلاف بالتسبیب به دلیل غیرمستقیم بودن رابطه میان زیان و عامل زیان، بایستی این رابطه منجزاً احراز شود. از این روست که برخی فقها و حقوقدانان عقیده دارند، احراز تقصیر در قاعده تسبیب برای احراز رابطه سببیت عرفی است، و گرنه تقصیر در مسئولیت مدنی موضوعیتی ندارد (بهرامی احمدی، ۱۳۷۷: ۶۸).

در همین راستا باید اذعان داشت که در نظام حقوقی ایران بین تسبیب و اتلاف تفاوت وجود دارد. بدین معنا که اتلاف به معنای آن است که فردی به نحو مستقیم، مبادرت به از بین بردن و نابودی اموال مادی یا معنوی دیگران پردازد در حالی که در تسبیب، فرد مسبب، به نحو غیرمستقیم و با معاونت و همکاری در اضرار مبادرت به ضرررسانی می‌نماید و فرد دیگری است که به طور مستقیم این امر را تحقق می‌بخشد.

برای مثال در مواردی که رسانه به نحو مستقیم اقدام به تضرر دیگری بنماید یا اخباری را به نحو مستقیم و از طرف خود اعلام نماید، اتلاف صورت گرفته است در حالی که اگر فقط انتقال دهنده اخبار منتشر شده از سوی یک مسئول قانونی باشند، فقط مسبب هستند.

علل رافع

در این مجال در راستای بررسی علل رافع مسئولیت، به مباحثی نظیر تکلیف قانونی رسانه، اکراه یا اجبار و ... پرداخته خواهد شد.

علل رافع موجب زوال رکن معنوی جرم است (اردبیلی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۶۷)؛ و دارای مشخصه‌هایی است که عبارت‌اند از: ۱. در علل رافع، جرم و مجازات وجود دارد؛ ولی مسئولیت کیفری تشکیل نمی‌شود؛ ۲. جنبه شخصی و درونی دارند و بدون جنبه عینی هستند؛ ۳. سقوط مسئولیت کیفری رخ می‌دهد در حالی که سقوط مسئولیت مدنی منتفی است؛ ۴. شرکا و معاونین شخص معاف، کیفر می‌شوند.

تکلیف قانونی رسانه

در مواردی، رسانه‌ها وفق قواعد و مقررات مکلف اند تا به اموری مبادرت ورزند لذا در همین راستا ممکن است تا موجب ایراد خسارت به دیگران شود. لذا به عنوان نمونه در صورتی که رسانه ای مبادرت به انتشار مطلبی نماید که بر اساس قانون و مقررات مکلف به انتشار آن بوده است، اگر حتی انتشار مطلب فوق موجب تحقق خسارت شده و باعث ضرر به دیگران شود، رسانه از مسئولیت مدنی مبرا است. بر همین اساس باید به اصل شصت و نهم قانون اساسی عنایت نمود. وفق اصل شصت و نهم قانون اساسی، مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رسانه‌های جمعی نظیر رادیو منتشر شود؛ بنابراین، با پخش یک مشاجره یا دعوی صورت گرفته میان نمایندگان و پخش آن از طریق رادیو یا هر رسانه‌ای که مکلف بدین موضوع است، در صورتی که فعل وی موجب تضرر و هتک آبروی نمایندگان درگیر شود، به استناد اصل مذکور، نمایندگان حق اقامه دعوا از رسانه مزبور را ندارند.

بر همین اساس ماده ۵ قانون مطبوعات مقرر می‌دارد: «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق

قانونی مطبوعات است». کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون، حق قانونی مطبوعات است.

در همین راستا باید برای نمونه در صورتی که رسانه‌های جمعی مبادرت به انتشار اخبار و انتقادات مطرح شده از نهادهای رسمی و تریبون‌های عمومی جامعه نمایند، از حیث مسئولیت عمومی خود، مکلف به انتشار اخبار مزبور بوده و در همین راستا، در صورت پخش مطالب و اظهارات مزبور، می‌توان رسانه را از مسئولیت مبرا دانست که برای نمونه، مطالب و اظهارات نمایندگان که از رسانه‌های عمومی، پخش شده است، نمی‌توان رسانه‌ها را مسئول دانست و بنابراین، الزامی به جبران خسارت ندارند.

به علاوه در باب جرائم نیز باید اذعان داشت که وفق قواعد عام حقوق ایران، دادگاه‌ها باید به صورت علنی برگزار شوند و بنابراین، رسانه‌ها در بسیاری از موارد، حق انعکاس محتویات دادگاه‌ها را دارند و مبانی متعددی نیز برای آن ذکر شده است (خالقی، ۱۳۸۳: ۳۸؛ هاشمی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۱۲؛ صابر، ۱۳۸۸: ۱۸۱)؛ بنابراین، حق دسترسی به اطلاعات قضایی که رسانه‌ها منتشر می‌کنند، مربوط به محاکمات نیست. بلکه در میان انواع اطلاعات قضایی، دسترسی به اطلاعاتی که در نتیجه اقدام قضایی از سوی یک شخص یا علیه یک شخص تولید می‌شوند، اهمیت خاصی دارد.

بر این اساس در امور کیفری، اطلاعات راجع به بازداشت یک متهم، آلات و ادوات جرم که از او به دست آمده است، پرونده‌ای که در دادسرا تشکیل شده است، کیفرخواستی که علیه او صادر شده، پرونده وی در دادگاه و رأی یا قراری که قاضی در موردش صادر کرده است و در صورت محکومیت به زندان، اطلاعات راجع به اقداماتی که از سوی دادگاه در مورد زندانی صورت می‌گیرد، نظیر اجاره مرخصی یا صدور حکم بخشودگی، از مهم‌ترین اطلاعات قضایی محسوب می‌شوند (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۷۹)؛ بنابراین، رسانه‌ها در حدود مصالح جامعه مبتنی بر اطلاع‌رسانی و توجه به حقوق مخاطبان مکلف به انجام اطلاع‌رسانی دقیق در حوزه اعمال و عملکرد دستگاه‌های قضایی بوده و در همین راستا می‌بایست مبادرت به انتشار اخبار در حد مورد تأیید قانون نمایند.

اقدام علیه خود

اکثر علمای لغت، اقدام را پیش رفتن در کاری معنا نموده‌اند (عمید، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۰۶؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲)؛ اما در اصطلاح به معنای آن است که هرکس به ضرر خود در مقایسه با

مال خود اقدامی کند، حق مطالبه خسارت را از دیگری نخواهد داشت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۵۲۸). برای صحت آن، مستندات نظیر روایات، بنای عقلا و اجماع، ذکر شده است (موسوی خمینی، پیشین: ۱۵۶).

بر اساس قاعده مزبور باید اذعان داشت، در صورتی که افراد متضرر از رسانه‌ای جمعی به هر نحو، موجبات تضرر خود را فراهم سازند - اضطرار از مصادیق آن است - و رسانه‌ها نیز در راستای انجام فعالیت خود، موجب ضرر فرد مزبور گردند، می‌توانند به استناد قاعده اقدام، از ضرر وارده به خود جلوگیری نمود و حکم به عدم تضرر دهند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵: ۲۹).

در همین راستا باید اذعان داشت، در صورتی که رسانه‌های جمعی به هر نحو، موجب ضرر فرد شوند، بار اثبات وقوع قاعده اقدام به عهده رسانه است بدین معنا که در صورتی که شخص متضرر، ورود خسارت به خود را که ناشی از فعالیت رسانه است، اثبات نمود، رسانه در جهت رفع مسئولیت خود می‌تواند، اقدام به اثبات قاعده اقدام نمود و از جبران خسارت مبرا شود. به علاوه باید اذعان داشت که ورود خسارت به صورت عمده و خسارات ناچیز در هر حال می‌تواند مشمول قاعده مزبور گردد و رسانه‌های جمعی با اثبات این امر از مسئولیت مبرا خواهند شد.

برای نمونه در صورتی که فرد تولید کننده، اقدام به انعقاد قرارداد انتشار تبلیغات با یک رسانه جمعی نماید و قیمت کالا را برای جلب مشتری کمتر از قیمت واقعی ارائه نموده و در رسانه منتشر نماید؛ اما به واسطه اقدامات ناصواب خود، یا عدم توجه در محاسبه یا هر عامل دیگر، نتواند به قیمت مزبور کالا را ارائه نماید و متضرر گردد، اقدام وی علیه خود بوده و رسانه در این باب، مسئولیتی نخواهد داشت (باریک لو، ۱۳۸۹: ۳۱۹).

دستور مقام قضایی یا امر اداری

از موارد معافیت رسانه‌ها از پرداخت خسارت، انعکاس مطالب حسب دستور مقام قضایی است. بدین معنا که مقام قضایی به رسانه‌ها اذن دهد تا خیر محکومیت فردی را منعکس نموده و در صدد افشای عمومی آن برآیند یا برای یافتن متهمی، عکس و مشخصات وی را در رسانه‌ها انعکاس دهند. در این راستا باید اذعان داشت که رسانه‌ها در صورت وجود امر از سوی آمر قانونی مسئولیتی در برابر انعکاس خبر مذکور نداشته و مکلف به جبران زیان‌های مادی و معنوی مجرم یا فرد تحت تعقیب نخواهند داشت. این امر حتی در نظام حقوق کیفری ایران نیز مورد توجه واقع

شده و در زمره علل رافع مسئولیت مدنی از آن یاد شده است (الهام، ۱۳۷۵: ۲۱۱؛ باهری، ۱۳۸۱: ۲۵۷). چنانچه رسانه‌ای در اجرای دستور مقام قضایی اقدام به پخش برنامه، گزارش یا انتشار مطلبی نماید که موجب خسارت به دیگری شود، رسانه مسئولیت نخواهد داشت. برای مثال، هرگاه روزنامه‌ای به دستور دادستان، اقدام به انتشار عکسی از صحنه قتل نماید و متعاقب آن اولیای دم مقتول، ادعای خسارت معنوی نمایند، دعوی خسارت علیه روزنامه مسموع نیست (صحرانورد، خلیل‌زاده؛ صحرانورد؛ بی‌تا: ۲۰۱).

انعکاس آرای محاکم در رسانه‌های جمعی حتی با قطعی شدن حکم توسط دادگاه و در صورتی که مقام قضایی برای انتشار آن اذن نداده باشد، موجب مسئولیت مدنی رسانه بوده و رسانه را باید بر اساس آن مسئول دانسته و محکوم به جبران خسارت نمود.

تبصره ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری انتشار جلسات دادرسی در رسانه‌های گروهی را قبل از قطعی شدن حکم، مجاز ندانسته و متخلف از این امر را محکوم به مجازات مفتتری می‌داند؛ اما از تبصره مذکور در خصوص انتشار آراء دادگاه‌ها چیزی استنباط نمی‌شود و فقط در خصوص جلسات دادرسی ایراد سخن نموده است؛ (صحرانورد، خلیل‌زاده؛ صحرانورد؛ بی‌تا: ۲۰۲). هرچند به نظر می‌رسد که انتشار آراء دادگاه‌ها، نقض حریم خصوصی افراد بوده و از موجبات نقض حریم و آبروی فرد است، اما اگر همین امر به دستور مقام قضایی صورت پذیرد از موجبات رفع مسئولیت رسانه است، هرچند مقام قضایی نیز باید برای صدور دستور انتشار آراء، دلیل متقنی داشته باشد (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۹۷) در غیر این صورت، دستگاه قضایی مزبور مسئول است.

ماده ۹۶ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ در این خصوص بیان می‌دارد: «کارمندان دستگاه‌های اجرائی مکلف می‌باشند در حدود قوانین و مقررات، احکام و اوامر رؤسای مافوق خود را در امور اداری اطاعت نمایند، اگر کارمندان حکم یا امر مقام مافوق را برخلاف قوانین و مقررات اداری تشخیص دهند، مکلف‌اند به صورت کتبی مغایرت دستور را با قوانین و مقررات به مقام بالاتر اطلاع دهند.

در صورتی که بعد از این اطلاع، مقام مافوق کتباً اجرای دستور خود را تأیید کرد، کارمندان مکلف به اجرای دستور صادره خواهند بود و از این حیث مسئولیتی متوجه کارمندان نخواهد بود و پاسخگویی با مقام دستور دهنده هست». وفق ماده مزبور اگر کارمند و مامور اجرایی بر اساس علم و اطلاع خود به قانون، خلاف قانون بودن انتشار اسامی یا اخبار را گوشزد نموده ولی مدیر و

ما فوق اداری مجددا فرمان دهد، باید حکم به مسئولیت مدنی آمر نمود. لذا باید اذعان داشت که مدیر و آمر قانونی از حیث اقوی بودن سبب از مباشر مسئول است و باید به جبران خسارت مبادرت ورزد. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۲: ۲۳). بدین معنا که کارمند، هرچند در وارد ساختن ضرر به دیگری، مباشرت دارد؛ اما ورود ضرر از سوی وی مستند به اذن و تجویز قانونی است و در صورت عدم رعایت نظامات و ترتیبات توسط فرد متخلف، (آمر قانونی) هیچ ضرری به کارمند مزبور منتسب نبوده و بنابراین، از وی نمی‌توان مطالبه خسارت نمود.

غرور

یکی از عوامل مؤثر در تشکیل مسئولیت، فریب دادن است. بدین معنا که اگر شخصی دیگری را فریب دهد، برای فریب‌دهنده مسئولیت و ضمان ایجاد می‌شود (لطفی، ۱۳۷۹: ۵۹) و به نوعی فریب‌دهنده را باید سببی اقوی از مباشر دانست؛ بنابراین، در این راستا، در باب رسانه‌ها نیز همین‌گونه است.

این امر در فقه امامیه نیز مورد توجه واقع شده و فقها بدان توجه نموده‌اند و آن را از عوامل رافع مسئولیت، تلقی نموده‌اند که این قاعده در مورد رسانه‌ها نیز صادق است و بر همین اساس، رسانه‌ها در صورتی که در اثر اقدام یک مقام مسئول، مغرور شده و موجبات ورود خسارتی را فراهم آورند، باید نسبت به جبران آن همت گمارند. این قاعده در فقه امامیه دارای مبانی مستحکمی است که عبارت‌اند از: ۱. روایت نبوی المغرور یرجع الی من غره (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۸۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۳۳۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۲۵۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۲۵) ۲. بنای عقلا (موسوی خویی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۳۸۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۹: ۲۲۲؛ سبزواری، بی‌تا، ج ۱۶: ۳۴۷) ۳. تسبیب (موسوی بجنوردی، پیشین، ج ۱: ۲۲۸) ۴. قاعده لاضرر (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۹: ۱۸۱؛ حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۵۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۵۴) و ...

نگارنده را اعتقاد بر آن است که بر اساس قواعد حاکم بر رسانه‌ها، در مواردی که رسانه‌ها از سوی مسئول یا مقامی مورد فریب واقع شده و با شیوه‌های عوام فریبانه، رسانه‌ها را گمراه می‌کنند، انتشار یا درج مطالبی از سوی رسانه‌ها، نمی‌تواند به مسئولیت ایشان بینجامد مگر آن‌که رسانه، تکلیف واقعی خود را در باب فحص و تدقیق انجام نداده باشد.

بدین معنا که در صورتی که فرد ذی‌صلاح در انتشار یک مطلب، با اقدامات خود موجبات فریب رسانه‌ها را فراهم آورد و در نتیجه آن رسانه‌ها با اقدامات خود در سطح وسیع، خسارت گسترده‌ای را رقم بزنند، نمی‌توان رسانه‌ها را مسئول دانست و بر همین اساس، باید اذعان داشت که هرچند، رسانه‌ها را اقدام خود نظیر انتشار خبر یا پخش آگهی، اقدام به ورود خسارت به مخاطبان و مطلعان از برنامه‌هایشان می‌نمایند؛ اما چون در واقع، مغرور شده و در اثر غرور اقدام به چنین امری نموده‌اند و در ادای تکلیف خود کوتاهی ننموده‌اند، نمی‌توان ایشان را مسئول دانست.

بیان انتقادات سازنده

در یک بیان کلی، انتقاد عبارت است از واکنش مخالف در برابر سخن یا رفتار دیگری (نصر اصفهانی، ۱۳۸۶: ۴۰) و در تعبیر فقها بین انتقاد و انتقام‌جویی باید تفاوت قائل شد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰۵) و هدف اصلی انتقاد عبارت است از برانگیختن افراد برای تغییر رفتار (Lussier, 2002, 123) که منجر به روابط بهتر و افزایش احتمال موفقیت می‌شود (Knippen, 1996, 5).

در نظام اداری و حکومتی نیز مدیران اجرایی بی‌نیاز از انتقاد نیستند (Osborn, 1997, 150) و یکی از اصلی‌ترین منتقدان که وظیفه انتقاد سازنده در این زمینه را به دوش می‌کشند، رسانه‌ها هستند (Kykyri, 2007, 644).

مبتنی بر اصل آزادی بیان (انصاری، ۱۳۹۲: ۳۷) از دیگر وظایف مطبوعات بیان انتقاداتی است که به واسطه وظیفه رسانه‌ای خود، ملزم به اجرای آن هستند. در همین راستا باید اذعان داشت که وفق ماده ۳ قانون مطبوعات «مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند. تبصره: انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، هست». تبصره دو ماده سه قانون اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب مصوب ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در بندهای «ج»، «د»، «ه» و «و» خود، کتب را در بیان موارد ذیل رها دانسته است. بنابراین، بر همین مبنا قانون مزبور مقرر می‌دارد: «... موارد ذیل از شمول بندهای مذکور در «حدود قانونی» خارج است:

ج) طرح اشکالات و انتقادات و بیان نارسایی‌ها در جمهوری اسلامی جهت ریشه‌یابی و شناخت دقیق‌تر مسائل و دستیابی به راه‌حل‌های مناسب و سازنده با بیان استدلالی و اصلاح‌طلبانه بدون توهین و افترا.

د) طرح و نقل افکار و گفتار و مواضع فکری و عملی مخالفان انقلاب و نظام به منظور بررسی محققانه و عالمانه آرا و اندیشه‌های آنان.

ه) کتاب‌های علمی و استدلالی و عقیدتی که محرک احساسات منفی و برهم‌زننده اساس وحدت در میان اقوام و فرق مختلف کشور باشد.

و) نقد و نفی آداب و سنن غلط و انحرافی به قصد اصلاح و بدون شایبه‌های سیاسی و استعماری».

بر همین اساس، باید اذعان داشت که وظیفه رسانه‌ها مبتنی بر قانون مزبور، انتقاد از مسئولین است و می‌توانند برای ارتقای سطح عملکرد دولت، مبادرت به انتقاد نمایند و مبانی متعددی نیز برای آن ذکر شده است (اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۸؛ باقری، ۱۳۹۳: ۱۳) و باید اذعان داشت که برای انتقاد به مقامات دولتی، ضوابطی تعیین شده است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۲۳، ۱۱۷، موسوی خویی، ۱۳۷۸: ۴۷۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۸۲؛ ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۳)؛ بنابراین، از مجموع دلایل و توجیهاتی که در بیان‌های انتقادی از دولت در نظر گرفته شده است، انتقاد سازنده از دولت ضروری بوده و نباید به اعتماد عمومی افراد را مورد لطمه قرار دهند.

اضطرار (فرض قرار گرفتن در اضطرار توسط خود متضرر)

از دیگر مواردی که حقوقدانان در حوزه علل رافع مسئولیت بدان توجه داشته‌اند، موضوع اضطرار است که این فرض فقط در صورتی اتفاق می‌افتد که خود متضرر، زمینه قرار گرفتن خودش در موقعیت اضطراری را فراهم آورد.

اضطرار، احتیاج و گزیر بودن به چیزی است (عبداللهی علی بیگ، ۱۳۸۳: ۱۲۴). اضطرار از عناوین ثانویه و از قواعد مشهور فقهی است (وطنی، ۱۳۸۱: ۱۸۷)؛ در ابواب مختلف فقه، مورد استاد واقع می‌شود و برای آن مستندات بیان نموده‌اند.^۱ یکی از عواملی است که باعث تبرئه

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: زحیلی، ۱۴۱۷: ۵۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۱: ۱۱۰؛ محقق خراسانی، ۱۴۱۲: ۱۷۰؛ مغنیه، بی‌تا، ۳۹۱؛ انصاری، بی‌تا، ۳۲۰؛ نائینی، ۳۳۶؛ موسوی خویی، ۱۴۰۸: ۲۱۷.

مضطر از مسئولیت کیفری ناشی از عمل اضطراری می‌گردد (جواهری یکتا، ۱۳۷۸: ۱۱۶). به حالت ناچاری، تنگنا و سختی گفته می‌شود که انسان به‌رغم میل باطنی و طیب نفس به انجام کاری وادار می‌سازد (ایزدی فرد، باقری، ۱۳۸۶: ۷). البته اکثر فقها به تعریف اضطرار نپرداخته و فقط به بیان مصادیق آن همت گمارده‌اند (طوسی، ۱۴۱۶، ج ۶: ۹۴؛ جبعی العاملی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۱۹؛ نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۲۲؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۱۷۰؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج ۱۴: ۶۱؛ فاضل مقداد، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۲۲؛ نراقی، ۱۴۱۹، ج ۱۵: ۲۰).

در باب اینکه اضطرار رافع مسئولیت کیفری هست، بحثی وجود ندارد؛ اما بحث اساسی آن است که آیا اضطرار مسئولیت مدنی را هم مرتفع می‌سازد یا خیر که در پاسخ به سؤال مزبور باید اذعان داشت، اضطرار در مواردی می‌تواند رافع مسئولیت مدنی باشد که خود متضرر، اسباب ورود خسارت به خودش را وارد آورده باشد در صورتی که اگر متضرر به این امر اقدام نموده باشد بر اساس مبانی فقهی نیز می‌توان ضرر را به وی منتسب دانست و وی را مسئول جبران خسارت تلقی نمود و رسانه‌ها در این راستا، مسئولیتی بر عهد نخواهند داشت. بنابراین، در صورتی که فرد متضرر، با زمینه‌چینی و تحریک‌های خود و در معرض اتهام قرار دادن خود، موجبات تضرر مادی یا معنوی به خود را فراهم آورد، مسئولیت وی قطعی است و به استناد مبانی نظریه استناد عرفی در نظام حقوقی ایران، باید وی را مسئول جبران خسارت دانست. البته این امر به قاعده اقدام نزدیک می‌شود که مفصلاً بدان پرداخته خواهد شد.

اجبار و اکراه

اکراه یکی از مفاهیم اساسی در حقوق تعهدات است (انصاری، مبین، ۱۳۸۸: ۱) و بیانگر آن است که اکراه از علل رافع مسئولیت است (نظری نژاد، ۱۳۸۹: ۱۴۷). تحلیل مسئله اکراه، عناصر و شرایط تحقق آن و چگونگی تأثیر آن بر احکام وضعی و تکلیفی مباحثی است که از دیرباز مورد مطالعه قرار گرفته است (فرح‌زادی، ۱۳۷۸: ۱۶۹). همان‌گونه که بیان شد، اجبار و اکراه را باید از علل رافع دانست؛ هرچند رسانه‌های جمعی از حکم مزبور مستثنی نبوده و بنابراین، در صورتی که اجبار و اکراه رخ دهد، باید رسانه را از مسئولیت مبرا دانست. اگر رسانه از سوی فردی مجبور شود تا مطالبی را انعکاس دهد و در واقع رسانه میل و قصد انتشار مطلب مزبور را نداشته باشد، در صورت انتشار مطلب مزبور و با شرط اثبات اجبار از سوی ثالث، باید رسانه را از مسئولیت مبرا

دانسته و اجبار کننده را ملزم به جبران خسارات وارده نمود. البته لازم به ذکر است که تهدید صورت گرفته در اجبار و اکراه باید به نحوی باشد که به نحو طبیعی و مرسوم، قابل تحمل نباشد و نیز تهدید مزبور موثر باشد همچنین تهدید کننده توان تحقق تهدید را داشته باشد. به علاوه باید اذعان داشت که در رسانه‌های جمعی، در صورتی که اجبار یا الزامی که خارج از اراده باشد، به اثبات برسد، به علت عدم وجود قصد می‌توان ایشان را از مسئولیت مبرا دانست و مبتنی بر آرای فقها هیچ مسئولیتی نخواهد داشت (موسوی خویی، پیشین، ج ۳: ۲۸۱).

در باب اکراه نیز باید اذعان داشت که برای جریان قاعده اکراه، شرایطی وجود دارد که عبارت‌اند از ۱. امتنانی بودن؛ ۲. رعایت انجام اقل مراتب حرمت؛ ۳. لزوم مراعات اهم و مهم (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۹۷)؛ بنابراین، در صورت اکراه شدن فرد اکراه شده بر ورود خسارت به متضرر، کسی که اکراه را ایجاد کرده است را باید مسئول دانست مگر در صورتی که رسانه اکراه شده، سببی اقوی از مباشر باشد (نجفی، پیشین، ج ۳۷: ۵۷؛ مراغی، پیشین، ج ۲: ۴۳۵). برای نمونه در صورتی که مقام یا مسئول دولتی، رسانه تحت امر خود را مکره به انتشار خبری کذب نموده یا حریم خصوصی افراد را نقض نماید و شرایط تحقق اکراه نیز فراهم باشد، می‌توان رسانه را از مسئولیت مبرا دانست و تکلیفی به جبران خسارت بر رسانه مزبور بار نخواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

با گسترش حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای و نقش تأثیرگذار آن در جامعه امروزی، در کنار بررسی نقش و مسئولیت مدنی رسانه‌ها، توجه به علل و عوامل رافع مسئولیت مدنی یا اجتماعی نیز ضرورت یافته و لازم است این مسئله با رویکردی میان‌رشته‌ای، از دو منظر «حقوقی» و «ارتباطی» مورد کنکاش قرار گیرد. این مسئله در مباحث علوم ارتباطات در قالب نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها که بخشی از نظریات هنجاری رسانه‌ها می‌باشد، مطرح گردیده است و ما در این مقاله با استفاده از چارچوب نظری مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها، به حوزه مسئولیت مدنی رسانه‌ها در نظام حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران ورود کردیم تا به صورت اخص در پی پاسخ به این سؤال مشخص باشیم که: در نظام حقوقی ایران، چه علل و عواملی می‌تواند رافع مسئولیت مدنی یا مسئولیت اجتماعی رسانه‌های جمعی به شمار آید؟

بر همین اساس، با بررسی عوامل و اسباب موجب مسئولیت مدنی باید اذعان داشت که

بر اساس قواعد و منابع عام مسئولیت مدنی، می‌توان رسانه‌های جمعی را به دلیل فعالیت‌هایی که صورت می‌دهند، مسئول دانست و بر همین مبنا به ادله‌ای نظیر ائتلاف بالمباشره و ائتلاف بالتسبیب استناد نمود و بر همین اساس، در صورتی که فعالیت رسانه‌ای موجب تحقق ائتلاف بالمباشره باشد، بدون نیاز به اثبات تقصیر و فقط به‌صرف اثبات ارکان ثلاثه مسئولیت مدنی، می‌توان متلف را مسئول دانست و بر همین اساس، رسانه‌ها مکلف به پرداخت ضررهایی هستند که بر اساس قاعده ائتلاف بالمباشره، بر عهده ایشان ثابت می‌گردد.

در باب ائتلاف بالتسبیب نیز باید اذعان داشت، در صورتی که ارکان ثلاثه تسبیب ثابت شود و نیز متضرر بتواند با اثبات تقصیر رسانه، مسئولیت وی را همراه با تقصیر به اثبات برساند، می‌توان رسانه را مسئول اقدامات صورت گرفته دانست و مکلف به جبران خسارت نمود.

اما آنچه از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است، آن است که عواملی نظیر اکراه، اشتباه، در صورتی که از سوی رسانه‌ها واقع شود، موجب سلب مسئولیت از ایشان می‌شود، منوط به اینکه اشتباه ایشان، ناشی از کم‌کاری و بی‌توجهی و عدم رعایت نظامات صورت نگرفته باشد.

در باب غرور نیز باید اذعان داشت که در صورت تحقق غرور و اینکه رسانه وارد آورنده ضرر بتواند اثبات کند که ضرر وارده، به وی منتسب نبوده است، می‌تواند فرد فریب‌دهنده را مسئول دانسته و به جبران خسارت محکوم نماید؛ بنابراین در این راستا، رسانه با اثبات مغرور شدن و عدم انتساب ورود ضرر به خود، مسئولیت را از خودش سلب نماید.

به‌علاوه در مورد امر آمر قانونی باید اذعان داشت که در این باب نیز در برخی موارد، هرچند در حاق واقع از سوی رسانه به فرد ضرری وارد می‌شود که در بسیاری از موارد نیز می‌تواند به‌صورت ضرر معنوی باشد؛ اما در هر حال، الزامی به جبران خسارت از سوی رسانه وجود نخواهد داشت و رسانه مزبور مکلف به جبران خسارت نیست؛ زیرا در راستای فعالیت رسانه‌ای خود و انجام تکالیفش، مأمور به اطاعت از دستورات آمر قانونی است و در صورت غیرقانونی بودن دستور، رسانه مسئولیتی نخواهد داشت.

در نهایت از موارد معافیت رسانه را باید انجام تکلیف در مقام ایفای وظایف رسانه‌ای دانست که بر همین اساس، در بسیاری از موارد، رسانه‌ها، در راستای ایفای وظایف خود و انجام تعهداتی که برعهده گرفته‌اند، محکوم و مسئول به جبران خسارت خواهند بود و در همین راستا، در صورتی که از فعالیت در راستای رسالت رسانه‌ای یک رسانه، به افراد ضرری وارد شود، نمی‌توان ایشان را مسئول دانست و به جبران خسارت نخواهد بود.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، قاسم (۱۳۸۱). مصونیت پارلمانی از نگاه فقه، **فصلنامه فقه اهل بیت**، شماره ۳۰، اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محقق اردبیلی (۱۴۰۳). **مجمع الفائدة و البرهان**، تحقیق اشتیهادی و عراقی و یزدی، قم، نشر موسسه نشر اسلامی.
- ارشدی، علی‌یار (۱۳۹۳). **دوره شرح حقوق مدنی ضمان قهری و مسئولیت مدنی**، تهران، انتشارات بهنامی.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۱). تأملی بر پرسش‌های اساسی در حقوق رسانه، **فصلنامه بازتاب اندیشه**، شماره ۱۱۸.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۹). **تقریرات درس حقوق مدنی**، مقطع کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- اسماعیلی، محسن، جلالی، عبدالله (۱۳۹۱). نظام هنجاری اطلاع‌رسانی در فقه شیعه، **فصلنامه رسانه**، شماره ۴.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۲). مبانی و مصداق‌های آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و اندیشه اسلامی، **فصلنامه رسانه**، شماره ۱.
- الاصفهانی، محمد بن الحسن (فاضل هندی) (۱۴۰۵). **کشف اللثام**، قم: نشر کتابخانه السید المرعشی النجفی، جلد دوم.
- امامی، حسن (۱۳۶۸). **حقوق مدنی**، جلد اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- انصاری، شیخ مرتضی، (بی‌تا). **فرائد الاصول**، چاپ دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- انصاری، باقر (۱۳۸۷). **حقوق حریم خصوصی**، چاپ دوم، تهران: نشر سمت.
- انصاری، باقر (۱۳۸۳). **حریم خصوصی در رسانه‌های همگانی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۳۹ و ۴۰.
- انصاری، باقر (۱۳۹۲). حمایت از حرمت اشخاص در برابر آزادی بیان، **فصلنامه رسانه**، شماره ۲.
- انصاری، باقر (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی، **پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۳۵.
- انصاری، باقر (۱۳۹۳). موازین حقوقی ناظر به انتقاد دولت و مقامات دولتی، **پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۴۳.
- انیسی، محمدعلی (۱۳۹۴). **مسئولیت مدنی و حقوق ورزشی**، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر، باقری، روح‌الله (۱۳۸۶). اضطراب در امور کیفری، موجهه یا رافع؟، **دانشکده علوم انسانی سمنان**، شماره ۱۹.
- آشنا، حسام‌الدین؛ برزویی، محمدرضا (۱۳۸۱). خط مشی‌گذاری فاوا در ایران (۱۳۸۱-۱۳۸۶)، ارزیابی محتوای دیجیتال اسلامی از تکفا تا تسما، **فصلنامه دین و ارتباطات**، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۴۰.
- آلن، بیرو (۱۳۷۰). **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: مؤسسه کیهان.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵). **مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۱). **تقریرات حقوق مدنی، مسئولیت مدنی**، قم: دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- باهری، محمد (۱۳۸۱). **حقوق جزای عمومی**، چ اول، تهران: انتشارات رهام.
- بهرامی‌احمدی، حمید (۱۳۹۲). **تقریرات درس مسئولیت مدنی**، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع).
- بهرامی‌احمدی، حمید (۱۳۷۷). **سوءاستفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی**، چاپ سوم، تهران: اطلاعات.
- تاجمیری، امیر تیمور (۱۳۷۵). **حقوق مدنی ۴، مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی آفرینه.

عوامل رافع مسئولیت مدنی رسانه‌های... ❖ ۴۹

تزر می‌نژاد، وحیده؛ ایران تاج، بابک (۱۳۹۱)، مسئولیت مدنی رسانه‌های تصویری نسبت به پخش برنامه‌های برون مرزی، **فصلنامه مطالعات رسانه‌ای**، شماره ۱۶.

الجبعی العاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۶)، **مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام**، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، جلد ۱۲.

الجبعی العاملی، زین‌الدین بن علی، (شهید ثانی) (۱۳۷۶). **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، چاپ چهارم، قم: مکتبه النشر الاسلامی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۱)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش.

جلیلودن، یحیی (۱۳۷۳). **مسئولیت مدنی قضات و دولت در حقوق ایران فرانسه، امریکا، انگلیس**، چاپ اول، تهران: نشر یلدا.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). **موسوعه فی الفقه الاسلامی جمال عبد الناصر**، قاهره، چاپ دوم، انتشارات مجلس الاعلی الشئون الاسلامیه.

جوهری یکتا، محمد حسن (۱۳۷۸). بررسی ماهیت حقوقی اضطرار، **فصلنامه دانش انتظامی**، شماره ۱.

حر عاملی، شیخ حر (بی‌تا). **وسائل الشیعه الی تنقیح مسائل الشریعه**، جلد ۱۴، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

حسینی، علیرضا؛ هاشمی، سیدرضا (۱۳۸۹). رسانه‌ها و مسئولیت مدنی، **مجله قضاوت**، شماره ۶۶.

حسین آبادی، امیر (۱۳۸۵). بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، **فصلنامه الهیات و حقوق**، شماره ۲۰.

حسینی المرآغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷). **العناوین**، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، جلد ۲.

حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) (بی‌تا). **تذکره الفقهاء**، قم: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، جلد ۲.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۸). **قواعد الاحکام**، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، جلد ۴.

خالقی، علی (۱۳۸۳)، علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۵.

خراسانی، آخوند خراسانی (۱۴۱۲). **کفایه الاصول**، بیروت: نشر موسسه دارالاضواء المرتضویه.

رشتی، میرزا حبیب الله (۱۳۲۲). **رساله فی الغصب**، تهران: بی‌تا.

الزحیلی، وهبه (۱۴۱۷). **نظریه الضروره الشرعیه**، چاپ دوم، دمشق: مطبعه دارالفکر.

سبزواری، سیدعبدالاعلی (بی‌تا). **مهذب الاحکام**، ج ۱۶، بیروت: مؤسسه دارالاحیاء التراث العربی.

شهابی خراسانی، محمود (۱۳۳۲). **قواعد فقه**، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

جبعی العاملی، زین‌الدین بن علی، شهید ثانی (۱۴۱۶). **مسالك الافهام فی تنقیح شرائع الاسلام**، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱۲.

شیخینانی، علی (۱۳۹۲). **قاعده خطر**، چاپ اول، تهران: نشر جنگل (جاودانه).

صابر، محمود (۱۳۸۸). **آیین دادرسی کیفری بین‌المللی**، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.

صحرانورد، ابودر؛ خلیل‌زاده، سیدمحمد مهدی؛ صحرانورد، رسول (بی‌تا). **مسئولیت مدنی رسانه‌ها در حقوق موضوعه ایران**، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

طوسی، شیخ الطائفه، محمد بن حسن (۱۴۱۶). **الخلاف فی الفقه**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

عبداللهی علی بیگ، حمیده (۱۳۸۳)، قاعده اضطرار، الضرورات تبيح المحذورات، **فصلنامه مطالعات اسلامی**، شماره ۶۳.

عمید، حسن (۱۳۷۳). **فرهنگ فارسی عمید**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: نشر امیرکبیر.

- فاضل لنکرانی، شیخ محمد (۱۴۱۹). **القواعد الفقهیه**، چاپ دوم، قم: نشر موسسه تنظیم و نشر آثار آیت‌الله فاضل لنکرانی.
- فاضل مقداد، جمال‌الدین (۱۳۶۵). **کنز العرفان فی الفقه القرآن**، چاپ سوم، بیروت: مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- فتح علی پور، عطالله (۱۳۷۶). **مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از تصادفات رانندگی**، چاپ اول، تهران: نشر مدق.
- فرخزادی، علی‌اکبر (۱۳۷۸). بررسی فقهی و حقوقی اثر اکراه در عقد بیع، **مقالات و بررسی‌ها**، شماره ۶۶.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۷۸). **الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد**، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.
- قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۴۲). **حقوق مدنی، تجاوز از حقوق**، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). **الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری): مسئولیت مدنی**، چاپ ششم، جلد اول، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). **دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی**، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سهامی.
- لایق، مهدی (۱۳۹۰). **حقوق مهندسی**، چاپ اول، تهران: نشر جنگل جاودانه.
- لطفی، اسدالله (۱۳۷۹). **قاعده غرور**، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۷.
- لموراسا، میشل (۱۳۷۵). **مسئولیت مدنی**، ترجمه محمد اشتری، چاپ اول، تهران: نشر حقوقدان.
- محقق حلّی، جعفر بن الحسن (محقق حلّی) (۱۴۰۹). **شرائح الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، الطبعة الثانية، جلد چهارم، تهران: انتشارات استقلال.
- محمدی، مسعود (۱۳۹۱). **تقریرات درس حقوق رسانه**، چاپ اول، دانشگاه شیراز.
- معمد نژاد، کاظم (۱۳۸۶). **حقوق ارتباطات**، ج اول، کلیات، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- مغنیه، محمدجواد (بی‌تا). **فقه الامام جعفر الصادق (ع)**، چاپ دوم، بیروت: مطبعه داراجواد.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). **القواعد الفقهیه**، جلد دوم، چاپ سوم، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). **القواعد الفقهیه**، جلد دوم، چاپ دوم، قم: مؤسسه نشر مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع).
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۷۵). **قاعده اقدام، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری**، شماره ۲.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۷۷). **قاعده اقدام، مجله وقف، میراث جاویدان**، شماره ۲۳ و ۲۴.
- موسوی بجنوردی، میرزا محمدحسن (۱۴۱۳). **القواعد الفقهیه**، جلد اول، چاپ دوم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۷۵). **قاعده اقدام، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۲.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). **تحریر الوسیله**، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). **کتاب البیح**، جلد ۲، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). **المکاسب محرّمه**، جلد اول، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۰۸). **مصباح الاصول**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار آیت‌الله موسوی خویی (ره).
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۶). **مصباح الفقاهه**، جلد چهارم، چاپ اول، قم: مطبعه مهر.
- موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸). **محاضرات فی الفقه الجعفری**، جلد دوم، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه دارالاحیاء العلوم المرتضویه.
- مولانا، حمید (۱۳۸۷). **اطلاعات عالمگیر و ارتباطات جهانی**، تهران: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- میرداداشی، سیدمهدی (۱۳۹۳). **مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی در حقوق ایران و مصر**، چاپ اول، قم: دانشگاه مفید.

نایینی، محمدحسین (۱۴۰۴). **فرائد الاصول**، چاپ سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. نجفی، شیخ محمدحسن (صاحب جواهر) (۱۳۶۷). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، الطبعة الثالثة، جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نراقی، احمد (۱۴۱۹). **مستند الشیعه**، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه دارالاحیاء التراث العربی.

نصر اصفهانی، علی (۱۳۸۶). **رویکردهای نوین در رفتار سازمانی**، چاپ سوم، اصفهان: جهاد دانشگاهی.

نظری نژاد، محمدرضا (۱۳۸۹). **اکراه و ضرورت در حقوق کیفری (مطالعه تطبیقی)**، فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری شماره ۱.

نوابی، سیدمهدی (۱۳۸۸). **ضمان ناشی از استیفای نامشروع**، چاپ اول، قم: انتشارات بوستان کتاب.

وطنی، امیر (۱۳۸۱). **بررسی فقهی اضطرار و ضرورت، مقالات و بررسی‌ها**، شماره ۷۱.

هاشمی، سیدرضا (۱۳۸۹). **رسانه‌ها، مسئولیت مدنی، مجله روابط عمومی**، شماره ۷۳.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۱). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.

الهام، غلامحسین (۱۳۷۵). **امر امر در حقوق کیفری ایران**، رساله دکترای حقوق کیفری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹). **حقوق مدنی، قلمرو مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تهران: نشر ادبستان.

Thompson, K., Heinberg, L. Altabe, M. & Tantleff-Dunn, S. (1999). *Exactng Beauty: Theory, Assesment, Treatment of Body Image Disturbance*. Washington, DC: AmericanPsycho:ogical Association.

Knippe, J., and Green, 1996, handling criticism from your boss, *employee concelling, today* V.8.

Kykiri, V., 2007, inviting interactional change through tricky situation in counsulting, *journal of organizational management*, V.020, N.50.

Lussier, R., 2002, *Human relations in organization s*, Mc Graw, hill company, 50th edition.

Osborn, R.J., Hunt and schermerborn, 1997, *organizational behaviuor*, John Wiley and, 6th edition